

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و بومیه ( جبل المتین )  
( عنوان مراسلات )  
طهران خیابان لاله زار  
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزها  
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
( قیمت يك نسخه )  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

چهارشنبه ۴ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۶ مرداد ماه جلالی ۱۲۹ و ۱۱۴ اوت ۱۹۰۷ میلادی

محا که - حقیقت

مدتی کار این محاکمه طول کشید و ما از شرح آن باز ماندیم پیش آمد های نا کوار که بمشابه يك سید بسیار پر قوتی کران تا کران خلك وطن عزیز ما را احاطه کرد مصداق يوم یفر المرء من اخیه در صفحه ملك ایران ظاهر ساخت روزی نبود که واقعه هولناکی که استقلال ما را تهدید کند بعرضه ظهور نماید و شبی نمیشد که حادثه پر غصه که دل اهل وطن را خون و قلب غیرتمدن را محترق سازد یا بعرضه شهود نمینهاد - نمونه روز رستخیز و خلق از هر سو در کریم مارا از مشاهده این احوال جگر بریان و دیده کریان بودور حسب اداء تکلیف حرمی میزدیم و چیزی مینوشتم ولی قحط سالی ما را از حیات عاشقی بدر برده و از تدقیق و تطییف خیال باز داشته راستی اغلب حالتی میرفت که محراب بفریاد آمدی و دیده رمد رسیده کنار خود را چون جیبون ساختی - دست فتنه دراز و پای فساد باز گشت رخته نماند که بملك نیافکنند و صدمه نبود که باین مشت ضعیفان بینوا نزدیک بقدر صدسال کار ما را عقب انداختند و دولت قویم شش هزار ساله را آلت ملاحظه و بازیچه خود ساختند - واقعی در این چندماه آتشی افروختند که عالمی را سوختند نه برحالت فلاك مساکن رحم کردند و نه مرهمی بردل یرزخم نهادند خلك ایران را جولانگاهی برای مقاصد نفسانیه خود قرار داده محض پیش بردن منویات و ضمایر بر صدف و کبیر حقیرو فقیر تراختند - الله الله ! که در این مدت قلیل کاری و کشتاری که اینان در خطه ایران نمودند قشون زاپون بلشکر روس نمودند -

از خون ملت دستها را خضاض و از گوشت شان کباب ترتیب دادند از خلال انگشتان شان خون میربخت و از بن دندان شان خون میچکید -  
سبعصد دکان در کرمانشاهان چاییدند ، چندین نفوس زکیه را بضرب کلوله بیداد نخل آما از پای فکندند ما کورا قصابخانه فرزندان ایران ساختند و آذربایجان را نمونه کر بلای معلی نمودند جمعی را بحضرت عبدالله طیم فرستادند و کوهی را مامور آشوب بلاد نمودند رشت و شمیران و تبریز و غیره انگشتر گردان کرده هر ساعت قطرا مخمل و خلق مفلوک را سرگردان و معطل نمودند - اجاب نیز موقعی مناسب و اوضاعی موافق دیده هر کدام نهی از کلاه خواستند بقاضائی نمودند آلمان بانک میخواست روس حاجی ملك را حمایت میکند عثمانی بحدود ارومیه میتازد - در این حیص و بیص بر جان وطن خواهان نیز افتاده یکی را باسم رفاقت سالار الدوله غارت و اذیت میکنند دیگر را بنام فتنه جوئی و آشوب طلبی زحمت میدهند قلمهای آزاد ارباب جرائد را بیهای خنک میتکنند انجمنها را بوسیله نخلی از حدود مزاحم میشوند ناطقین را اسامی گوناگون از نطق باز میدارند - خلاصه هر کس را دیدند قدمی در راه مشروطیت میرند و سخنی برای خدا میکوبد سرش را با سنگ جفا شکسته و با شرا با چماق بیرحمی چلاق میسازند ما این پیش آمدهای روزانه را از پیش خبر دادیم و از سامحه و ممانطه جمعی و خراب کاری دیگری عموم را مستحضر ساختیم چنانکه همان روز که خبر اداء قسط قرضه روس را ده روز قبل از رسیدن موعد بتوسط وزیر مالیه نوشتیم صریح گفتیم که همین معنی غضب دشمنان ملك و ملت را محرك شود و طولی نکشد که وزیر مالیه را بر زمین زنند و بجرم وطن پرستی و اداء تکلیف وطنی

مقصر سازند  
موجب عبرت  
بدست آور  
مرتکب شد  
و دولت خوا  
يك دشمن  
اشاره کرد  
خواهان می  
وقدمی در  
يك طرفه ا  
بکجا برانید  
باری  
حقیقت بود  
مترقبه ما را  
این ایام گرو  
هر طرف  
بسته نك  
موضوع در  
قلم ما را  
در این خراب  
قلم را خاطری  
فکر چون  
باقالب اسر  
محا که نتوان  
فردد ( جائیه  
گیرم با  
وقدمی چند  
و در نظر خ  
و آب بردارند  
قیم جان خست  
تمند و کند  
و بار دیل یا ک  
با همه  
اداء وظایف  
که تا تمام ما  
فرست دند و  
( بقیه  
اهل  
مقدس رو برو  
چه مزخرفات و  
چه سخنان ناستو  
و هیچ تکلفیم

مقرر سازند از شملش خلع کرده خانه نشین سازند تا موجب عبرت دیگران گردد و راه و روش حرکات خود را بدست آورند واقعا تقصیر بزرگی کرده و خیانت عظیمی را مرتکب شده وزیر ایران و ملت پرستی و وطن دوستی و دولت خواهی چه مناسبت دارد ؟

يك شمير هندی دو دم هم که بدست آورده ایم بهرجا اشاره کردیم تا گاو و ماهی می برد و پوست از سر وطن خواهان می کشد هر کس اندک از حدود خود تخطی نمود و قدمی در راه مشروطیت برداشت می دهیم دم چرخ که يك طرفه الینش توتیا می سازد مثل اینکه یارورا چطور بکجا برانیدیم که نه آب است و نه آبادانی —

باری از اصل مقصد بدور نیفتیم صحبت در محاکمه حقیقت بود که گرفتاریهای نا بهنگام و تصادفات غیر مترقبه ما را از نوشتن داستان مانع کردید تا آنکه این ایام گروهی از برادران عزیز و یاران با تمیز از هر طرفی بعدا آمده خواهش کردند که این ناطقه مرو بسته نگردد و این داستان نهفته نماند و آن موضوع در خزانه خاطر مودع نگردد — هر چند که قلم ما را نتوانستند و پروبالمانرا بستند باروان ناشاد در این خراب آباد جای دم زدن و محل سخن گفتن نیست جولان قلم را خاطری بانشاط و درونی پراستیا باید تا کمیت فکر چون برق خفاف جهنم کی کند و بهر سو دوندگی نماید با قلب اسرده و خاطر پژمرده سینه مجروح و قلب مقروح محاکمه نتوان کرد قهرآ حونس پریشان و خاطر پژمان گردد ( جائیکه پشک و مشک بيك زخ است .

عطارد گویند دکان را )

گیرم با هزاران زحمت محاکمه حقیقت نمودیم

و قدمی چند باز پیمودیم بر طبع دیو سیرتان گران آید و در نظر خداوندان طمع و آرمردود گردد دوباره نان و آب بردارند و بر عقب ما افتند از پای نشینند تا این نیم جان خسته روان را از پای در آورند زنجیر برگردانند نهند و کند بر یا بدست موکبین غلاظ و شدادم بسپارند و بار دیل یا کلانم روانه سازند

با همه اینها بنابر فرموده برادران مکرم وطن و اداء وظایف وطنی خود از فردا شروع به محاکمه اسلام که تا تمام مانده میکنیم اگر خدای بخوهد و روزگار فرصت دهد و علی الله التوکل و به الاعتصام

( بقیه مکتوب از حضرت عبدالمظلم )

اهل کمال و واعظین ایشان در سخن

مقدس رو بروی حضرت عبدالمظلم ۴ هر يك از آنها چه مزخرفات و چه کلمات ناقابل وجه الفاظ ناشایسته و چه سخنان ناستوده و چه عبارات لوطیانه گفتند شنیدیم و هیچ تکلفیم بار هم گفتیم میسپارند بالانر از همه ما

اهل زاویه بملاحظه نجات و سکوت و مدارای با آنان و پذیرائی از ایشان مورد ملامت و اشماتت تمام برادران ایرانی خاصه اهل طهران شدید گفتیم سهل است میگذرد غرض اینکه تمام اینمراتب را سیر کرده و به میهمانند عزیزند دو روز دیگر میروند بما چه آزار آنها روانیست باجزا چه کار داریم رئیس آنها هر چه باشد حجة الاسلامت گذرانیدیم به بارک الله احسن احسن چشم سان روشن دل مان خوش روبمان سفید این روزها دیگر دارند دست مزد و اجر خیر و جزای خدمات ما و همراهیهای رؤسای ما را میدهند درب مدرسه مقدسه عظیمه اطفالرا بعوض مجلس می زدند بمجلس حکومتی میریزند جماعتی باچوب و قداره یکساعت بغروب مانده روز جمعه در بازار آمده عرض و ناموس ما را بدی یاد می کنند خدمه استانه و رؤسای ما را عموما لعش میدهند و تهدید میکنند باری الیوم که شنبه ۲۹ میباشد طرف صبح تمام کسبه و تجار دکانین و حجراترا بسته و دست از کار کشیده باحضرات خدام اجمن تشکیل دادند که یاباید شیخ فضل الله دیگر در سخن نیاید یا اشرا را از دور خود متفرق کند یا هر قسم هست بزودی از زاویه رود و الا کار بجاهای نازک خواهد کشید دیگر متوقع همراهی از ما نباشد آخر ما خیالی آدمیزاد دیده ایم خیلی مسلمان دیده ایم خیلی منظم و متحصن در همین زاویه دیده ایم چرا از هیچ يك این نوع حرکات و حشویه و اعمال شنیعه مشاهده نمودیم الی آخر

عاقبت جناب اعتماد از جانب وزیر مخصوص بتوسط

تلفون مکابرات زیاد با ایشان کرده مهلت گرفت که تا عصر کارهای آنها اصلاح شود نزدیک ظهر باستدعا و خواهشهای فوق العاده وزیر مخصوص کسبه دکانین را باز کردند و منتظر اصلاحند غرض از این عرایض و زحمت دادن باداره هم نه تقلم است نه وقایع نکاری صرف محض اشلام و اظهار است که حجج اسلامیه و وکلای محترم و وزیر مخصوص بدانند و آگاه باشند چنانچه تا چند روز دیگر بهر قسم هست دفع فساد و شرارتهای حضرات مستبدین را نمایند مترقب و منتظر مفاسد کلی و منازعه تامه در زاویه باشند زیرا که صبر و تحمل سکنه تمام شده وضع رفتار و کم و کیف کار و شرارتهای فوق العاده اجزای شیخ هم بر هیچ کس پوشیده نیست لهذا عاقبت کار خوش بنظر نمیاید خوبست اولیای امور تا زود است در صدد اصلاح برآمده از فتنه و اساد مستبدین جاوگیری نمایند ( خنده و کسبه زاویه مقدسه )

( تلگرافات داخله )

( از میانج به طهران نمره ۳۲ بتاریخ ۲ جمادی الثانیه ۱۳۲۵ )

توسط انجمن اتحادیه محترم آذربایجان دام قائم مجلس مقدس شورای ملی شید الله اركانه عميد السلطان شاطراناو از طهران مراجعت لدى الورود هيچده هزار تومان شاطر انلورا مصادر و ديروز عزيز بك كفاشته انجمن وعزت الله خان مباحث ظفر السلطنة را مقتول و پيامات تهديد در محاصره قصبه و قتل وغارت انجمن و اهالی مينمايد و سوارش چون موروماخ باطراف ر بخته رعيت نميتواند حاصل را از صحرا جمع نمايد با اين حال آذوقه يكماه بدست نميآيد اشكار بحكومت هم ياعی و ماليات بدهات محال سينجد حواله ملت را از اين وضع ترزلر شديدی گرفته عموم دكابين را چند روز است بسته اند محض الله ترحمی بحال اين بد بخنان فرموده در احضار عميد السلطان بطهران و مجازات برادرش اعدام سريع فرمايد اگر اندکی تاخير شود قتل وغارت عقليمی محقق الوقوع است نه راه فرار داريم نه امكان فرار ( انجمن خلخال )

( ايضا )

از آستارا طهران نمره ۲۸

مدرسه سپهسالار جناب شيخ احد رف السلطنة با اكراد شاهسون سررير نموده بيستم جمادى الثانيه دو فرزند مقتول يك هزار و پانصد اسكوفند اسب قاطر قره مال بشارت بردند بيست و دويم ايضا حمله آورده دوازده نفر مردو زن و بچه شيرخواره بضرر كوله و شايك تفك مقتول شدند آنچه توانستند بشارت بردند دوه سيم نيز با چهارصد نفر سوار شاهسون و فولادلو و اكراد حمله آورده هفت نفر كشته ملت مظلوم و رعيت فقير بيچاره شده اند عيال و اطفالمان در جنگل متواري در اظهار تظلم غفلت نكند مفصل حضور حجة الاسلام آقاسيد محمد و آقاسيد عبدالله و بسمه جا عرض شده است

﴿ جواب نمره ۲۸ غره رجب المرجب ﴾

( از اروميه بطهران )

توسط جناب آقا اميرزا علي محمد و آقا ميرزا بخشعلی خدمت جنابان اعضای محترم انجمن اتحادیه آذربایجان انجمن اخوت انجمن جنوبي اتحادیه طلاب انجمن مودت برادران دروازه قزوین انجمن خيريه محمدیه برادران مرکزی تلکراف اظهار محبت و همدردی حضرتعالی زیارت بنوعی ملت از این تفکرات و اقدامات حضرات عالی مراتب امیدواری حاصل بقضیه جانکدار ما بیچارگان متأسف بوده است خلاص نتیجه فکر آسودگی ما بوده آید و اما هر کس شهر و اطراف شهر را مشاهده نماید یقین خون کربدر آتش سوخته تماما می نویسیم آنی از فقره قتل وغارت آسوده نیستیم چنانچه بدار الشورای عرض شده تمامی خرمنهای اطراف و آتش زده دهاتیان کایتا در قتل

و نهب از صد یکی فراراً در شهر صدای و احمد اوضع خود شهر انقلاب عمده از شدت و تعدیات و قتل و ستم میدارد عمده محرك تعدیات و غلبه ایلات اردوی عثمانی است علاج بخداوند نمائند جواب نتیجه آسودگی را خواسته اند عجلاتا که روز بروز شدت ناخ و تراز و قتل النفس گرفتاریم اگر از حسن توجهات و ملت پرستی حضرتعالی و همت و غیرت اعلامیت در این چند روز اسباب آسودگی حاصل آید المطلب والا چنانچه عرض شده کارها از کار گذشته در هیئت بلا امید خلاصی بهیچوجه نداریم علم الله امروز است و فردا که نماینده قتل عمومی دچار رهگذر ما بوده باهد ( انجمن ملی ارومی )

( ايضا )

( از نوشهر با حیم که یانی بطهران )

مدیر جبل المتین و مجلس و صبیح صادق تلکرافا تیکه به مجلس کردیم جواب نرسیده مال و جان بنده و بسیاری در خطرات رفع فساد بسته بجواب فوری است ( مدیر مظفری )

( جبل المتین )

سبحان الله ! این چه آتش است که بیجان ما ملت بدبخت افتاده و همگی را یکجا میسوزاند کار طغیان بحدی بالا گرفته که صفحه مملکت جز بیک میدان نبردی مشهود نمیگردد تا کنون پول در کار نبود حالا دیگر تمام مالیات هم به حین مصارف خواهد رسید ما از فریاد زدن عاجز شدیم و آنها از خونخواری سیر نمیشوند نقطه اختلال راهم درست میدانیم اما چه فائده که کسی کوش نمیدهد مملکت میروند و ملت بشکل شقه های کوفتند قربانی روی هم میریزند و از حسن کفایت حضرت اشرف ازین بدتر هم خواهیم دید عجلاتا که امید خلاصی ازین کردارها نداریم ز براه آنکس که منشا همه فساد است پنجه اشرا تا قبضه فرو برده خدا رحم کند اما جناب مدیر مظفری بدانند که کاری از ما پیشرفت نمیکند علاوه بر آنکه بحرفی ما کوش نمیدهند عموم جرائد را مذمت کرده مهدور الدم میدانند شما باید یکباره دست از جان بشوئید و کلماتین بر زبان جاری کرده مترصد شهادت بشوئید که فریاد رس در کار نیست

( مقصود مقدس یا بانک ملی )

ملت اصلی بیجان ملت وطن دوست در تشدید مبانی صلاح و افتتاح بیت المقدس شورای ملی صانعا الله من کید الشیاطین که سایر ملل حیه عالم در تحصیل این کیمیای سعادت مصادف هزاران ابتلا شده اند و بانلاف کوررات نفوس و کیه این گوهر هدایت را چونک آورده اند همانا رفع اساس ظلم و بسط بساط عدل و دخول در

حوزه انسانیت و ترك اخلاق بر بریت و وصول بمدارج مدنیت است اظهار من الشمس است که ظلم و ستمی که در این عصر اخیر بر عابای فلك زده ایرانی از قبیل سفك دماء و نهب اموال و فروش نو باوگان و اسیری اطفال و تنك عرف و ووو میشد از هیچ مالک رقابی نسبت بمملوك و از هیچ ظلمی نسبت بمظلوم مشهود نمی گشت سالها بود که حقوق حقه این ملت مطیع پایمال مرکب سریع السیر استبداد دیکمشت مردمان طماع متدی بود عامه اهالی مملکت و جمهور مردم مثل خدای از اشعه و یرتو آفتاب حریت و مساوات که منشاء جمیع سعادات ابدی است محروم و در دهلیز غفلت خفته با روزگاری آشفته از کیفیت ترقیات کنونی بی بهره و از حقوق خود بی نصیب از سفره ماآشتهی الانفس و تلذذ الاعین تمدن صائم و مثل شمع بفنای و خود قائم بودند و اگر کسی دارای حس و مدرکی بود و اقدام بامری میکرد که نفع آن عاید عموم ملت بود بای و دهری مذهب نام رد را میشد و مخاطرات عظیمه را بر خود دعوت مینمود بکفری از سلطنت ملی و اعزاز قومی اگر مطرح میشد اعلی و ادنی طبقات مردم از برودت خوی و خشیت جلای وطن و نفی بلاد و حبس ابدی و اشکبجه و مهار شدن بیخ آفریده و منجمد میشدند از منافع اگر مباحثی تشکیل می یافت حضار و نظار و مترودین آن انجمن از حررت دهشت و وحشت مامورین غلاظت و سادولتی پیگر منحوس استبداد و جودشان مثل گوگرد میسوخت و محو و نابود میشد عموم رجال دربار بجان و مال مردم لایق قطع مشغول ناخوت و تاز بودند يك سوخته خرمين يك بخت بر كشته يك كامب و نكرته يك رعيت بیچاره اگر سهم بممل شنبی مبركشت باطل و حجم جلالت و عظمت سرکار یوزباشی گراز و نایب ابوالهول از جالب دقت نمی نمود بچنگ آرسباعان دوچار و راه مفر و نجاتی برای او متصور نبود یا باید دست از شرف و ناموس و مال و اولاد و اعتماد و بار و دیار بشوید یا منتظر لقای حضرت قابض ارواح بوده جان بجان آفرین تسلیم نماید فساد اخلاق طوری ما را احاطه نموده بود که دمقر در راه ترقی و اعتلای ملك و ملت هم آواز و هم مشرب یافت نمی شد بسیاری از مردم حواس پنجگانه شان بمطلق انسانی و تمدنی بحتقوق دبکیان مضروف و مشغول بود و خات و نا هنجاری استبداد طوری دولت را از ملت متنفر و رعیت را از شخص سلطنت منزجر نموده بود که لفظ اتحاد و اتفاق درالسنه و افواه راه نداشت و بمذاق آنان در حکم سم الفار بود از فرط بینونیت درونی که مولد جمیع اختلافات است صله رحم که از فرایض مذهبی است متروک و منسوخ شده بود ( بقیه دارد )

### تلکرافات خارجه

از لندن بالون نظامی آلمان در برلن صعود نموده و متجاوز از دو ساعت در هوا بطور دلخواه با اشکال مختلف سیر و بعد در یکی از نقاط شهر پائین آمده سرعت سیرش در ساعتی دوازده میل و نیم است در صورتیکه مخالف باد و هوا سیر نماید

در یکی از عمارات ۶ طبقه نیویورک حریق سخت واقع و ۵۵ نفر ایتالیائی در آنجا ساکن بوده اند سوخته اند اعلیه حضرت امپراطور روس روز پنجشنبه بکشتی نشسته و بسمت سوین مؤنذ عریمت می فرماید وزیر خارجه روس هم ملتزم رکاب است و مقصود از آن مسافرت بکلی مخفی است و عقیده جمعی امپراطور آلمان را ملاقات خواهند فرمود

مستقر کارگی که از اول متمولین و بزرگترین ملیونر های امریکاست مبلغ خطیری وقف نموده که بنای عظیمی در لاهه با نام عمارت صلح عمومی بنا نمایند این ایام شروع بمساختن این بنای خیر نموده اند در ۳۰ ژوئیه نیلای رئیس مجلس لاهه با رسومات معموله سنک اول بنا را گذاشته و نظمهای مشروحه با حضور عموم اجزای مجلس صلح لاهه مبنی بر مقدس و مبارک بودن این بنا نمودند

از لندن ۳۱ ژوئیه بنا بر خبر تلکرافای از واشنگتن دولت امریکا شروع ببعثتی مذاکرات با دولت مکزیک نموده که قراری در جلو گیری از مهاجرت فوق العاده عملجات ژاپنی بخاک امریکا بدهند

در مجلس ملی انگلیس فرمایش اعلیه حضرت ادوارد در خصوص اعطای پنجاه هزار لیره به لرد کرومر مورد مباحثه شد بالاخره با کثرت آراء عطای مبلغ مزبور قبول گردید ولی بعضی از اعضاء در مسئله دشواری لرد معری الیه را مورد طعن و ملامت نموده که چند نفر از اهل مصر را بقصاص بکفر انگلیس بدار کشیده و تیر باران نموده مردموند ایرلندی اظهار داشت که این مبلغ فوق العاده تمطیل عمومی عماجات افریقای جنوبی ختم شده و مجددا با همان شرایط سابقه شروع بکار نمودند

مسوده قانونی را مورنی وزیر هندوستان در خصوص مجلس مشاوره هند پیشنهاد مجلس نموده ذکر می در خصوص تعیین از معاریف هندی بسمت عضویت در مشاوره نمی نمایند ولی مطالب ذیل را تشریح نموده اولاً اکثر عده اجزا چهارده و اقلش ده نفر خواهد بود

حسن الحسینی الکاشانی